چالش‌های دولت انقلابی

گزارش سال ۱۲۸۹

صد سال

در آغاز این سال ستارخان و باقرخان که از مجلس دوم لقب سردار ملی و سالار ملی گرفته بودند، با تجلیل فراوان وارد تهران شدند. مجلس قانونی را گذراند که به موجب آن تنها افراد پلیس و نیروهای نظامی حق حمل سلاح را دارد و همین قانون بود که کار مجاهدین به رهبری ستارخان و باقرخان و دولت انقلابی را به رودررویی کشاند. کابینه ها یکی پس از دیگری سقوط می کردند و نشانه پریشانی و چنددستگی در میان سران انقلاب بیشتر نمایان می شد. مستشارالدوله رئیس مجلس و معاونانش نیز همگی استعفا دادند و از کار کناره گیری کردند. سپهدار اعظم رئیس الوزرا پس از لغو قانون کاپیتولاسیون، چاره کار را در توقیف مطبوعات سرکش و تندرو دید و همین کار موجب درگیری بیشتر شد. اکنون جنگ و خونریزی نه میان نیروهای استبداد و آزادی، بلکه در جبهه آزادی خواهان چنگ و دندان نشان می داد. چهار نفر از مجاهدین وارد خانه سیدعبدالله بهبهانی، یکی از دو رهبر روحانی مشروطیت، شدند و او را به ضرب گلوله از پای درآوردند. مجلس و بازار تعطیل و عزای عمومی اعلام شد. همگان بر این تصور بودند که چون آیت الله بهبهانی حامی حزب اعتدال بود پس حزب مخالف آن، یعنی دموکرات به رهبری تقی زاده مسئول این ترور ناجوانمردانه است. علمای نجف نیز وارد معرکه شدند و تقی زاده را مسئول ترور شناختند و پس از تکفیر وی، خواستار اخراج او از مجلس شورای ملی شدند. تقی زاده نیز به ناچار راهی اروپا شد. از آن سو میان سپهدار تنکابنی که رئیس دولت بود و سردار اسعد بختیاری اختلافاتی بروز کرد که در پی آن سپهدار از سمت خود کناره گیری کرد و جای خود را به مستوفی الممالک داد. در پی اجرای قانون خلع سلاح عمومی، نیروهای انتظامی به فرماندهی یپرم خان، پس از گذشت مهلت قانونی پارک اتابک را که قرارگاه ستادی ستارخان و باقرخان بود محاصره کردند. مجاهدین از تحویل سلاح خودداری کردند و کار را به رودررویی نظامی کشاندند. اکنون این فرزندان انقلاب بودند که به روی هم اسلحه می کشیدند و خون یکدیگر را به زمین می ریختند. در این جنگ برادرکشی، نیروهای دولت انقلابی هفت کشته و بیست وسه زخمی و نیروهای مجاهدین هجده کشته و چهل زخمی بر جای نهادند. گلوله ای نیز به پای ستارخان نشست که وی را تا آخر عمر کوتاهش گرفتار کرد.

در این سال عضدالملک نایب السلطنه درگذشت و به انتخاب مجلس، ناصرالملک همدانی به جای او گمارده شد. شیرازه امور کشور از هم گسیخته به نظر می رسید و نزاع و درگیری در همه سطوح از بالا تا به پایین همه جا دیده می شد. قتل و غارت و درگیری مسئله روزمره کشور بود. نایب حسین کاشی شهر کاشان را سنگربندی کرده و اعلام سرکشی می کرد. به ناچار نیروهای بختیاری به فرماندهی امیر مفخم و سردار ظفر از اصفهان به سوی کاشان شتافتند تا آتش این فتنه را فروبنشانند. پس از نبرد خونینی که گروه زیادی از هر دو سو کشته شد، نایب حسین شکست خورد و گریخت. در حوزه فرهنگ نیز اوضاع بهتر از این نبود. روزنامه های سرکش و تندرو مثل قارچ می روییدند و همانند گندم درو می شدند. روزنامه افراطی شرق به مدیریت سیدضیاءالدین طباطبایی لغو امتیاز شد و به جای آن، وی روزنامه برق را منتشر کرد.

کابینه دستخوش بحران بود و پی درپی ترمیم می شد، سقوط می کرد و جای خود را به کابینه دیگری می داد. وحشت و ترور همه جا را فراگرفته بود. در شهر شیراز برخی از متعصبین به محله یهودی ها هجوم بردند و به غارت و کشتار دست یازیدند. در لار و بندرعباس پانصد نفر غارتگر به چپاول اموال مردم پرداختند. میان سران بختیاری اختلاف و درگیری روی داد که سردار اسعد، ناگزیر آنان را برای صلح و آشتی به تهران فراخواند. در اصفهان رئیس نظمیه، در اتاق حکمران، وی را مورد هدف گلوله قرار داد که در این سوءقصد معتمد خاقان حکمران اصفهان مجروح شد و برادرزاده اش به قتل رسید. در تهران، مرتضی قلی خان صنیع الدوله نخستین رئیس مجلس شورای ملی، در چهارراه مخبرالدوله هدف گلوله دو نفر کارگر روسی قرار گرفت و کشته شد. در این گیر و دار ناصرالملک نایب السلطنه با شکوه فراوان وارد تهران شد و در کاخ های شاهی مستقر شد و دربار باشکوهی برای خود فراهم آورد! بزرگان در اندیشه کار خود بودند و زیردستان نیز به رفتار خودسرانه مشغول. مجلس شورای ملی هم پی در پی قانون می نوشت و اجرای آن را به کسانی می سپرد که به قانون اعتقادی نداشتند. قانون محاسبات عمومی در ۵۷ ماده و قانون دیوان محاسبات در ۱۴۱ ماده به تصویب مجلس رسید. قرارداد استخدام مستشاران آمریکایی را تصویب کرد و قرض های دولت به بانک های خارجی را سر و سامان بخشید. همچنین مجلس ۴۰۰ تومان حقوق ماهانه برای ستارخان، ۳۰۰ تومان برای باقرخان و ۵۰۰ تومان برای وراث سیدعبدالله بهبهانی در نظر گرفت.

اما دولت انقلابی، جدای از دسته بندی ها و کشمکش های پشت پرده با معضل بزرگ دیگری نیز دست به گریبان بود و آن حضور افراد مسلح بود که در خیابان ها تفنگ بر دوش رفت و آمد می کردند و کلاه نمدی سیاه بر سر می گذاشتند و سهم خود را از انقلاب طلب می کردند و به هیچ قانونی هم وقعی نمی نهادند. در میان این گروه به ویژه بختیاری هایی که همراه سردار اسعد به تهران آمده بودند و در فتح تهران سهیم بودند، بیش از همه در نظم اجتماعی اختلال ایجاد می کردند. سران و فرماندهان آنان نیز همه مشاغل کشوری و لشگری را همچون گوشت قربانی در میان خود تقسیم کرده بودند. دولت انقلاب به ناگزیر فرمان خلع سلاح بختیاری ها را صادر کرد که نیروهای تحت فرمان دولت، پس از چند ساعت زد و خورد توانست گروه بزرگی از آنان را خلع سلاح کند. احزاب سیاسی و مطبوعات نیز به جان هم افتادند و به جای همکاری و همراهی، راه ستیز و دشمنی را برگزیدند. این درحالی بود که استقلال ایران از طرف دو همسایه شمالی و جنوبی یعنی روس و انگلیس هر لحظه در خطر بود و روس ها همچنان در تبریز و برخی نواحی شمالی ترکتازی می کردند. در پایان این سال مستوفی الممالک رئیس الوزرا کناره گیری کرد و به پیشنهاد ناصرالملک نایب السلطنه و تصویب مجلس، سپهدار تنکابنی دوباره سکان این کشتی توفان زده افتاده در گرداب بلا را به دست گرفت.

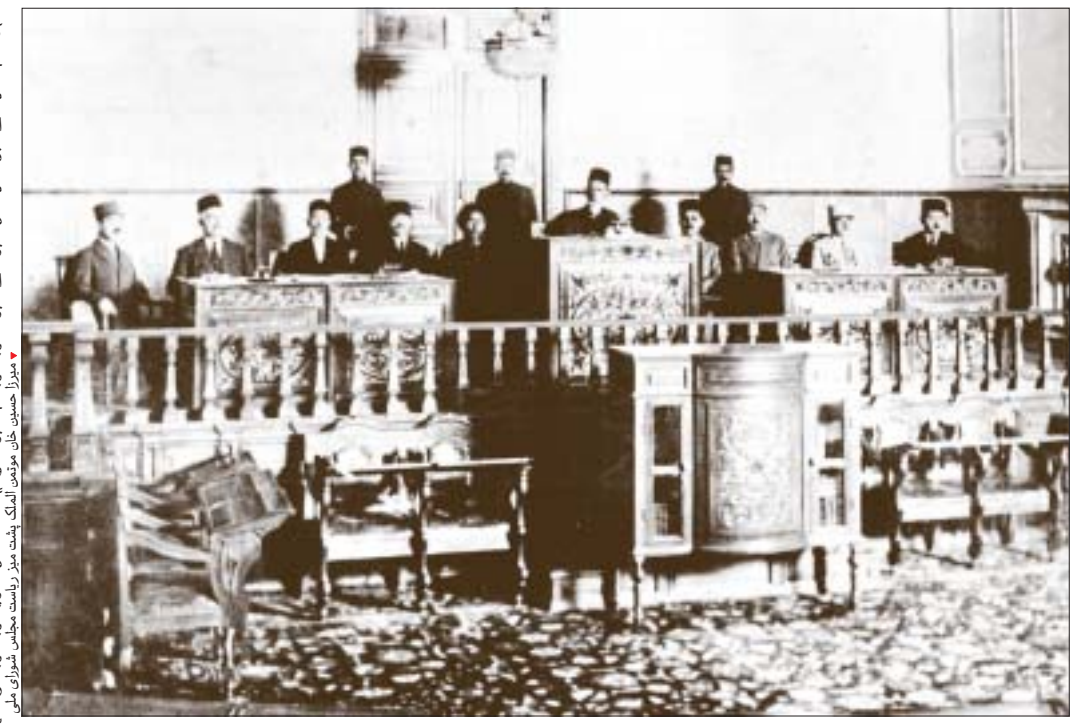

میرزا حسین خان مؤتمن الملک پشت میز ریاست مجلس شورای ملی

خراسانی رهبر مذهبی مشروطه

صد چهره

ملامحمد کاظم ملقب به آخوند خراسانی (۱۲۸۹ ـ ۱۲۱۷ خورشیدی) فرزند ملاحسین واعظ هراتی از رهبران سیاسی مذهبی عصر مشروطه و از مراجع مهم و اثرگذار آن دوره بود.

ازدواج و تحصیل مقدماتی ملامحمد کاظم خراسانی در مشهد صورت پذیرفت. وی در بیست و دو سالگی در سبزوار نزد ملاهادی سبزواری فلسفه خواند و مدتی نیز در تهران به تحصیل فلسفه پرداخت.

وی دو سال بعد راهی نجف شد و تا رحلت شیخ مرتضی انصاری (۱۲۴۲ ش) نزد وی به تحصیل فقه و اصول پرداخت، پس از آن نیز در محضر میرزا محمدحسن شیرازی به تحصیل پرداخت.

به دنبال سفر میرزای شیرازی به سامرا وی به توصیه استاد به نجف بازگشت و به تدریس پرداخت و پس از فوت میرزای شیرازی به عنوان جانشین وی و بزرگ ترین مرجع تقلید عالم شیعه مشخص گردید.

آخوند خراسانی علاوه بر دلمشغولی های علمی و آموزشی به شرکت کنندگان انبوه در جلسات دروس وی، اوضاع سیاسی اجتماعی دوران خود را نیز از نظر دور نمی داشت.

در بحبوحه مبارزات مشروطه خواهان در ایران، آخوند خراسانی به همراه جمعی از علمای نجف برای بررسی وضعیت مشروطیت در ایران راهی تهران شد. آغاز سفر آخوند همراه شد با تسخیر تهران توسط مشروطه خواهان و عزل محمدعلی شاه از منصب شاهی. پس از آن برخورد نامناسب سران سیاسی با رهبران مذهبی و روحانیون که سبب دلسردی بسیاری در میان حامیان مذهبی مشروطه شد، نتوانست آخوند خراسانی را از حمایت مشروطیت دلسرد سازد. ایشان در نهایت و در حالی که قصد داشت برای کسب اطلاع از وقایع تهران و جلوگیری از انحراف ایجادشده در جنبش مشروطیت عازم تهران شود در نجف درگذشت. رحلت ایشان را به دلیل تهدیدهایی که از سوی دولت انگلستان برای ایشان و مراجع دیگر فعال در جنبش مشروطیت ایجاد شده بود به انگلستان نسبت می دهند.

■ **دفاع سرمایه ملی**

زمانی که آخوند خراسانی با خبر شد محمدعلی شاه قصد دارد با گرو گذاردن جواهرات سلطنتی از دولت روسیه وام بگیرد، در نامه ای به «انجمن سعادت ایرانیان» که متشکل از جمعی از ایرانیان آزادیخواه در استانبول بود، از آنها خواست این مسئله را مطرح کنند که به موجب اصل ۴ و ۲۵ «نظامنامه اساسی» دولت ایران حق هیچ گونه معاهده و استقراض بدون امضای پارلمان را ندارد و جواهرات موجود در خزانه متعلق به ملت ایران است و مردم موافق وامی که به محمدعلی شاه داده شود، نخواهند بود. ایشان در اقدامی دیگر به همراه دو مرجع بزرگ دیگر هم عصر خود میرزاحسین تهرانی و شیخ عبدالله مازندرانی از مردم خواست از پرداخت مالیات به ماموران محمدعلی شاه خودداری کنند و در سرنگونی حکومت وی بکوشند.

■ **جایگاه علمی**

اعتبار آخوند خراسانی را از دو حیث دانسته اند. اول اینکه وی از ارکان علم اصول فقه در حوزه تشیع محسوب می شود و دیگر اینکه بلندپایه ترین حامی مشروطیت ایران در میان عالمان دین و مراجع تقلید بوده است. خراسانی در حوزه سیاست صاحب آرای بدیعی است که با اندیشه فقیهان قبل از وی تفاوت جدی دارد. اما به چند دلیل مکتب سیاسی آخوند خراسانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نخست اینکه آرای سیاسی وی در میان آثار فقهی، اصولی، تلگراف ها و احکام سیاسی اش پراکنده است، دوم اینکه همین آرای پراکنده وی نیز به طور کامل تاکنون گردآوری و تالیف نشده است و در نهایت سومین مسئله بازآفرینی استبداد در لباس مشروطیت پس از شکست این جنبش است که سرخوردگی و یاس را میان علمای دین و مراجع و فقها به وجود آورد. مهم ترین اثر وی، کفایه الاصول کتاب درسی طلاب در پایان دوره سطح است و بیش از یک صد تن از مجتهدان بر این کتاب حاشیه نوشته اند.

منبع: دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد اول، مدخل آخوند خراسانی، اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، محسن کدیور

دلایل شیخ فضل الله نوری برحرمت مشروطه

صد متن

پرسش و پاسخ زیر درباره دلایل موافقت اولیه شیخ فضل الله نوری با مشروطیت و مخالفت بعدی وی است که خود شیخ پاسخ داده است:

حضرت حجت الاسلام در افتتاح انتشار این عنوان جداً مساعدت فرمودید ولی در اثنا عمل به یک بار منفصل شده از حضور در مجلس شورا استنکاف و تجافی فرمودید . . .

محل سئوال از این فقرات معروضه این است: که این مساعدات جدی به چه جهت به مخالفت و مهاجرت پیوست؟ آیا موجب شرعی و مقتضی مذهبی داشت و مشروطه را با قوانین قرآنی و موازین شریعت آسمانی مخالف یافتید که مخالفت فرمودید؟ یا آنکه انفصال و مخالفت موجب دیگری از عوارض عادیه و دواعی اتفاقیه داشت؟

اگرچه جهات فساد این امر نه به اندازه این است که این اوراق گنجایش آن را داشته باشد، بلکه شایسته است که رساله های مبسوطه در این باب نوشته شود. چنانچه جمعی از اهل علم به استدعای داعی مشغول اند و انشاءالله تعالی به انجام رسانیده انتشار داده خواهد شد.

لکن اجابه للسوآل . . . اظهار می دارد که منشاء این فتنه، فرق جدیده و طبیعی مشرب ها بودند که از همسایه ها اکتساب نمودند و به صورت بسیار خوشی اظهار داشتند که قهراً هر کس فریفته این عنوان و طالب این مقصد باشد به اینکه در طلب عدل برآمدند و کلمه طیبه العدل را هر کس اصغاء نمود بی اختیار در تحصیل آن کوشید و به اندازه وسعت به بذل مال و جان خودداری نکرد. منجمله خود داعی هم اقدام در این امر نموده و متحمل زحمات سفرا و حضرا شدم و اسباب هم مساعدت نمود. وقتی که شروع به اجرا این مقصد شد، دیدم دسته از مردم که همه وقت مرمی به بعضی از انحراف بودند وارد بر کار شدند. کم کم کلمات موهمه از ایشان شنیده شد. حمل بر صحت می شد تا آنکه یک درجه پرده از آن برداشتند و بنای انتخاب وکلا و مبعوثین و اعتماد بر اکثریت آرا گذاردند. باز هم اغماض شد که اینها برای انتظام امور و بسط عدالت است تا رفته رفته بنای نظامنامه و قانون نویسی شد. گاهی با بعضی مذاکره می شد که این دستگاه چه معنی دارد؟ چنین می نماید که جعل بدعتی و احداث ضلالتی می خواهند بکنند والا وکالت چه معنی دارد؟ موکل کیست و موکل فیه چیست؟ اگر مطالب امور عرفیه است این ترتیبات دینیه لازم نیست و اگر مقصد امور شرعیه عامه است این امر راجع به ولایت است نه وکالت، ولایت در زمان غیبت امام زمان عجل الله فرجه با فقها و مجتهدین است نه فلان بقال و بزاز و اعتبار به اکثریت آرا به مذهب امامیه غلط است و قانون نویسی چه معنی دارد؟ قانون ما مسلمانان همان اسلام است که بحمدالله تعالی طبقه بعد طبقه روات اخبار و محدثین و مجتهدین متحمل حفظ و ترتیب آن شدند و حال هم حفظه آن بحمدالله تعالی بسیارند. جواب این کلمات را بعضی به تسویلات و تسویفات می دادند تا آنکه آن دستور ملعون که مسمی به قانون اساسی است نوشته شد و خواهش تطبیق آن را با قواعد اسلامیه نمودند داعی با یأسی که از فلاح این ترتیبات داشتم، مماشاتاً مساعدت نمودم و وقتی را صرف این کار با جمعی از علما کردم و به قدر میسور تطبیق به شرع یک درجه شد. چنانچه مطبوعه مشتمله بر اصلاحات و تصحیحات نزد داعی ضبط است. لکن فرقه که زمام امور حل و عقد مطالب و قبض و بسط مهام کلیه به دست آنها بود، مساعدت نمی کردند. بلکه صریحاً و علناً گفته که ممکن نیست مشروطه منطبق شود با قواعد الهیه و اسلامیه و با این تصحیحات و تطبیقات دول خارجه ما را به عنوان مشروطه نخواهند شناخت. چون دیدم این طور است به مساعدت جمعی ماده نظارت مجتهدین در هر عصر برای تمیز آرای هیات مجتمعه اظهار شد. چون نتوانستند ظاهراً رد کنند قبول کردند و فصلی با زحمات زیاد و توافق همه نوشته شد. محض تثبیت و اینکه رجوعی نشود علیحده به طبع رسانده و به همه ولایات انتشار داده شد. چون این را دیدند و فهمیدند که با این ترتیب اگر بدون تغییر واقع شود بالمره از مقاصد فاسده خود محروم اند، کردند آنچه کردند و دیدم آنچه دیدم و کشیدم آنچه کشیدم . . .

منبع: محمد ترکمان، شیخ شهید فضل الله نوری، چاپ رسا

شبنامه

۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۵

صد روز

ابوذر معتمدی: آقایان اگر در ما قوه و توان باشد و صلاحیت کارگزاری داشته باشیم که بتوانیم دفع مضرات بکنیم، می توانید آسوده بمانید، اگر در فرصتی در اعضا علتی عارض شد که بلکه از حرکت افتاد، بی خادم و کارگر می مانند آن وقت اول کسی که دستخوش این هواپرستان و پایمال ستم و ظلم این ظالمان می شود، شما خواهید بود، و هر چه به آواز بلند و استغاثه بگویند یار و معین نخواهد دید.

تا زود است باید چاره کرد. امروز صبح بر در خانه بسیاری از تهرانیان شبنامه ای چسبانده شده بود که آقایان [خطاب به علما و روحانیون بزرگ عدالتخواه] که چرا ساکت نشسته اید. در دارالخلافه تهران روزنامه ای منتشر نمی شود که اهداف و اغراض آزادیخواهان را انتشار دهد، آنچه از خارج هم می رسد با هزاران مشکل به دست مردم می رسد، به خصوص که اگر طرفدار آزادیخواهان باشد، سانسور حکومتی مجالی به پخش آزادانه آن نمی دهد، در این میان بیشترین حرکت موثر را شبنامه ها انجام می دهند. شبنامه هایی که از طرف افراد دلسوز و یا ذی نفوذ در امور انتشار می یابد.

پس از آنکه عین الدوله مخالفت خود را آشکار ساخت و حتی در جمع عده ای از روحانیون علناً چهره درهم کشیده و از صحبت های طباطبایی روی برتافت، خطاب طلاب و آزادیخواهان به سمت نوشتن شبنامه و یا ایراد سخنانی نسبت به آقایان رفت که چرا کاری پیش نمی برید.

یکی از مهم ترین و موثرترین شبنامه بر این سخن بود که: چشم ملت بر اقدامات حسنه شما آقایان است که این بوستان شریعت مطهره را که خار و خاشاک اختلاف فرا گرفته و ریاحین و اشجار آن از بروز جور و اعتساف اهل ظلم و طغیان از طراوت و ثمر افتاده عنقریب اسم بی رسم دین و آئین از میان برخاسته، بازار عدل و داد که اس و اساس شرع قویم و اصل بنیاد طریق مستقیم است کاسد و اخلاق و منابع اسلامیان به طوری فاسد بشود که جز به غزوات احمد مختار و به حملات حیدر کرار اصلاح نشود.

در ادامه این شبنامه چنین آمده: «آن هایی که خود را از هواخواهان سلطنت می شمرند اولین دشمن جان و نخستین خصم قوی پنجه شخص سلطان هستند، اسم خود را بهانه کامرانی خویش قرار داده بستگی و نوکری دولت را مایه ثروت و احتشام خود نموده از مراسم رسومات عدالت و افتضاح معتدلخانه چون دیو رجیم از کلمه مبارکه (لاحول) گریزان و در هراسند، بلی اگر قوانین اسلام به میان آمد هر یک از این نفس پرستان در اندک زمانی دارای دولت بی شمار و صاحب ضیاع و عقار نخواهند شد تا القای شبهات نمایند.

Aboozar@gmail.com

مطبوعات

ایران نو

بیژن مومیوند

صد نهاد

«ایران نو» ارگان حزب دموکرات و مهمترین و معتبرترین روزنامه تهران در دوره مشروطه دوم بود. انتشار این روزنامه به صورت مستقل در ۲ شهریور ۱۲۸۸ آغاز شد و چندین سوسیال دموکرات برجسته که به حزب دموکرات وابسته بودند آن را اداره می کردند. ایران نو در تابستان ۱۲۸۹ تعطیل شد، اما در ۴ آبان ۱۲۸۹ به عنوان ارگان رسمی کمیته مرکزی حزب دموکرات دوباره منتشر شد. ایران نو یکی از جدی ترین مطبوعات سوسیالیست های ایران در قرن بیستم بود و روزنامه نگاری به سبک اروپایی را در ایران رواج داد.

بعضی از اشعار اولیه ملک الشعرا بهار و لاهوتی کرمانشاهی (دو شاعر برجسته اوایل قرن بیستم) نخستین بار در ایران نو چاپ شد. در این روزنامه آثار نویسندگان برجسته اروپایی از جمله الکساندر دوما ولئو تولستوی با ترجمه فارسی در دسترس عموم قرار گرفت. همچنین این روزنامه با نقد خود از جامعه طبقاتی، تعصب علیه زنان، یهودی ستیزی و دیگر اشکال تعصب های قومی و مذهبی تاثیر فراوانی بر فضای اجتماعی و سیاسی آن دوران گذاشت. ایران نو نامه ها و تفسیرهای مربوط به مسائل اجتماعی زمانه را چاپ می کرد. از ضرورت آزادی بیشتر و تحصیل زنان و مصائب کارگران و پیشه وران و دهقانان داد سخن می داد. سرمقاله ها کاملاً در انتقاد از سیاست های امپریالیستی و قدرت های اروپایی در خاورمیانه، آسیا و آفریقا نوشته می شدند. ایران نو انواع تعصب های مذهبی و قومی مسلمانان ایرانی را نسبت به اقلیت های غیرمسلمان آشکار کرد، نامه هایی از حامیان ارمنی- ایرانی نهضت از جمله اعضای حزب داشناک به چاپ رساند و نمونه هایی از یهودی ستیزی در خیابان های تهران و ایالت های دیگر را فاش کرد. ایران نو نخستین نشریه فارسی بود که علیه یهودی ستیزی در ایران سخن گفت. هیات تحریریه آن شامل مسلمانان و ارمنیان ایران و قفقاز بود. محمدامین رسول زاده سردبیرش از یک خانواده روحانی باکو بود. حامی مالی روزنامه و مدیر آن یک ارمنی متمول موسوم به ژوزف بازیل بود که به روزنامه ارمنی حزب داشناک به نام آراوود (صبح) نیز کمک مالی می کرد. ایران نو نماینده آرای انواع ایدئولوژی های جناح چپ بود و آینه مواضع گوناگونی به شمار می رفت که اعضای حزب دموکرات در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی آن زمان اتخاذ می کردند. مقاله ها و بحث هایی در تائید لیبرالیسم، گرایش های مختلف درون سوسیال دموکراسی و حتی پان اسلامیسم همه در کنار هم به چشم می خورد. این روزنامه به صورت تریبونی درآمد که در آن از ماهیت انقلاب مشروطه ایران و جهت گیری آینده اش بحث می شد. نویسندگان ایران نو به جای دو گزینه انقلاب و اعتدال از موضع بینابین دینی تکامل طرفداری می کردند. «راه تکاملی توسعه» به معنی تجدید سازمان اقتصاد، صنعت، تجارت و قشون براساس مدل های اروپایی و اصلاحات تدریجی اجتماعی بود. در اسفند ۱۲۸۸ ایران نو از خوانندگانش خواست تا به نشانه اعتراض علیه ادامه اشغال روسیه نوروز ۱۲۸۹ را جشن نگیرند و این تقاضا هم اجابت شد.

ایران نو پس از صدور دستور تعطیلی سرمقاله ای با عنوان «حمله از مطبوعات شروع می شود» هم چاپ کرد. در این سرمقاله نوشته شده بود که آزادی مطبوعات را به هر قیمتی باید حفظ کرد، زیرا اولین وسیله دفاع از حقوق انسانی و دشمن استبداد نوخاسته به شمار می رود و در ادامه آمده بود: «در همه جا و همه وقت این طور شده. ارتجاع اولین حمله خود را به مطبوعات وارد آورده و این هم طبیعی است. وقتی بخواهند آدمی را لخت کنند یا اینکه او را بکشند اول کاری که حرامیان و جانیان می نمایند دهن آن شخص را می گیرند تا اینکه صدا درنیاورد و بعد دست و پاهایش را می بندند تا مقابله نکند.»

نوشته های رسول زاده و تیگران ترهاکوبیان که سعی داشتند از بسیاری از مسائل ملی و بین المللی اجتماعی و سیاسی تحلیل مارکسیستی ارائه دهند از مهمترین اسناد به جای مانده از این دوره است. آنها خواستار ناسیونالیسم جدیدی بودند که نه تحمیلی باشد و نه مبتنی بر مذهب یا قومیت بلکه بر دریافت انسان گرایانه و غیرمذهبی گسترده ای از ناسیونالیسم طبق سنت های روشنگری مبتنی باشد.

کتاب شناسی

بحران مشروطیت در ایران

کتاب‌شناسی

محمود فاضلی: کتاب «بحران مشروطیت در ایران» نوشته حسین آبادیان از انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی است که در ۶۵۹ صفحه در سال ۱۳۸۳ انتشار یافته است. در این کتاب موضوعاتی همچون «مقدمات بحران مشروطیت، مبانی نظری دیدگاه های شیخ فضل الله نوری، بحران ایران در مشروطه اول، انجمن سعادت استانبول و حوادث دوره فترت، بحران سازان بر اریکه قدرت، تکوین کانون دسیسه در نهضت مشروطه ایران، روحانیون و مشروطه دوم، انجمن های یهودی در دوره دوم مشروطه، احزاب سیاسی در دوره دوم مشروطه، واپسین روزهای عمر مشروطه دوم، بحران اقتصادی ایران در دوره دوم مشروطه، قرارداد ۱۹۰۷ و بازی گرگ ها، اقتصاد سیاسی ایران در دوره مشروطه» مورد توجه کتاب قرار گرفته است.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir
پست الکترونیک info@100years.ir
ارسال مقالات article@100years.ir

خبر

همایشی دیگر

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران فراخوان همایش بزرگداشت یکصدمین سال مشروطیت (مبانی نظری، زمینه های اجتماعی، دستاوردها) را منتشر کرد:

مبانی نظری

۱ – مفهوم شناسی مشروعیت از دیدگاه نخبگان دینی و غیردینی
۲ – «آزادی»
۳ – «قانون»
۴ – «مردم سالاری»
۵ – «مساوات»
۶ – «عدالت»
۷ – نسبت سنت و تجدد در مشروطیت

گروه‌ها و عوامل اجتماعی موثر بر مشروطیت

۱ – شرایط و زمینه های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی موثر در شکل گیری مشروطه
۲ – گروه‌ها و اقشار اجتماعی موثر در مشروطه
۳ – نقش ایلات و عشایر
۴ – نقش زنان در مشروطه
۵ – نقش قومیت‌ها و اقلیت‌های دینی در مشروطه
۶ – نقش عالمان و گروه‌های مذهبی در مشروطه
۷ – نقش احزاب و انجمن‌ها و گروه‌های سیاسی در مشروطه
۸ – نقش مطبوعات و جایگاه آن در مشروطه

تحولات و رخدادهای مهم سیاسی مشروطه

در دوره (۱۲۹۹ – ۱۲۸۵) و پیامدهای آن
۱ – همگرایی‌ها و واگرایی‌ها و علل و عوامل آن
۳ – رخدادهای مهم و تاثیرگذار بر مشروطه
۳ – مواضع و اقدامات کشورهای خارجی نسبت به مشروطه
۴ – تحولات سیاسی ایران در عصر مشروطه
۵ – تاثیرات مشروطه بر دولت عثمانی و کشورهای همسایه

مجلس و قانونگذاری

۱ – بررسی نقش مجلس در تحولات مختلف تاریخی در دوره صدساله
۲ – تحولات عمده قانونگذاری در دوره‌های مختلف تاریخی
۳ – قانون اساسی مشروطه و متمم آن (مبانی نظری، منابع و ساختار)
۴ – انتخابات در عصر مشروطه
۵ – نحوه قانونگذاری در دوره‌های اول و دوم تقنینه

مشروطه و انقلاب اسلامی

۱ – بررسی تطبیقی قانون اساسی و نهضت مشروطه (نقش رهبری، مردم، گروه‌ها و طبقات اجتماعی)
۲ – بررسی تطبیقی قانون اساسی مشروطه با قانون اساسی جمهوری اسلامی
۳ – جایگاه اجتهاد شیعه در مشروطه و انقلاب اسلامی
۴ – جایگاه و تحول نهادهای مدنی در مشروطه و انقلاب اسلامی
۵ – تحول مفاهیم و ادبیات سیاسی در مشروطه و انقلاب اسلامی
۶ – جایگاه مردم‌سالاری در نظام مشروطه و جمهوری اسلامی ایران
۷ – بازخوانی امکانات و ظرفیت‌های دینی در مشروطه و انقلاب اسلامی
۸ – تاثیر نهضت‌های مشروطه در انقلاب اسلامی
۹ – نسبت ما و غرب در نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی
۱۰ – بررسی جنبه‌های ضداستعماری و ضداستبدادی انقلاب اسلامی و نهضت مشروطه

مهلت ارسال مقالات: ۳۰ خردادماه ۱۳۸۵
زمان همایش: ۱۴و۱۵ مردادماه ۱۳۸۵
مکان: بهارستان- مجلس شورای اسلامی – ساختمان مشروطیت
نشانی دبیرخانه: تهران – الهیه –خیابان شهید فیاضی نبش چناران – شماره ۱۲۸
تلفن: ۲۲۰۰۳۴۹۰
موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
پست الکترونیک: macon@iichs.org

کتاب شناسی

مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت

کتاب «مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت» نوشته عبدالرحیم ذاکر حسین است که در سال ۱۳۶۹ از سوی انتشارات دانشگاه تهران انتشار یافته است. کتاب شامل دوازده فصل است. در این کتاب علاوه بر پیشینه قدرت‌های سه گانه در جامعه ایران، قدرت آزادیخواهی، مراحل مختلف مشروطیت، احزاب سیاسی شامل احزاب توده، وطن، اتحاد ملی، استقلال، ایران و احزاب کوچک و کم اهمیت تر دیگر، مطبوعات این دوران، قانون اصلاح قسمتی از مطبوعات، متمم قانون اصلاح قسمتی از قانون مطبوعات، آئین نامه دادگاه زمان حکومت نظامی مصوب سال ۱۳۲۲، مجالس قانونگذاری چهاردهم الی هفدهم، احزاب عمده سیاسی این دوره تاریخی همچون فرقه دموکرات، حزب ایران نو و حزب دموکرات ایران و سایر رویدادهای مهم این دوران مورد بحث قرار گرفته است.

انقلاب مشروطیت ایران

کتاب ۲۰۳ صفحه‌ای «انقلاب مشروطیت ایران» نوشته دکتر محمد اسماعیل رضوانی است که در سال ۱۳۵۲ از سوی انتشارات «ابن سینا» انتشار یافته است. در این کتاب موضوعاتی همچون «ورود مظاهر تمدن اروپا به ایران و دگرگون شدن اندیشه‌ها در سال‌های ۱۲۱۲ و ظهور مردان بزرگ در این دوران، انتشار روزنامه‌ها در این دوره تاریخ، ورود مظاهر تمدن جدید به ایران در عصر ناصری، عواملی که موجب طغیان توده مردم گردید، از دست رفتن ایالات ایران، دادن امتیاز به خارجی‌ها و دریافت قروض، ظهور انقلاب مشروطیت، محمدعلی شاه و مشروطیت و قیام تبریز و ظهور ستارخان، سفر سوم شاه به اروپا و تاثیر قیام ستارخان» مورد توجه نویسنده بوده است.